

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: Von Michael Streitberg
برگردان و افزوده از: دیپلوم انجنیر نسرین معروفی
۲۴ جون ۲۰۱۷

چپی ها در کنفرانس کشور های پیشرفته صنعتی G-20

چپی ها در کشورهای G-20. امروز: جاپان.

حزب کمونیست جاپان اتکاء به اصلاحات می کند، چپ افراطی شعار حاکمیت کارگران و انقلاب جهانی را می دهند.

کسانی که می خواهند در باره چپی های جاپان اطلاع حاصل نمایند و دید خود را به ارقام و اعداد علنی معطوف بدارند، احتمالاً تحت تأثیر قرار خواهند گرفت: حزب کمونیست کشور جاپان (JCP) اضافه از ۳۰۰.۰۰۰ عضو دارد، تمایل و گرایش به حزب چپی ها روز تا روز افزایش می یابد. روز نامه آنها به نام "اکاهااتا" Akahata "درفش سرخ" تمام هفته روزانه به غیر از روز آخر هفته حدود ۲۰۰.۰۰۰ نسخه و در روز یکشنبه حتا یک میلیون نسخه به چاپ می رسد. با وجود سیستم انتخاباتی غیر دموکراتیک یک ترکیبی از حق رأی اکثریت و متناسب به آزادی انتخاباتی، این حزب در هر دو مجلس نمایندگان، نماینده دارد. حزب چپی ها در مجلس عوام که متشکل از ۴۷۵ وکیل است، ۲۱ وکیل و در مجلس اعیان متشکل از ۲۴۲ وکیل، ۱۴ وکیل دارد. به این ترتیب این حزب چند برابر قوی تر از حزب سوسیال دموکراتها (SDPJ) است.

(SDPJ) در سال ۱۹۹۶ توسط کارگزاران حزب سوسیالیستها که امروز دیگر وجود ندارند، بنیان گذاری شده است. این حزب پیش از دهه ها نیرومند ترین حزب چپ جاپان بوده است، مواضع آنها در جناح چپ سوسیال دموکراتهای اروپای غربی قرار داشت. حزب (SDPJ) امروز در هر دو مجلس در هر بار صرف بیشتر از دو چوکی دارد.

کمونیستها در یکی از قدرتمند ترین کشورهای اقتصادی جهان با چنین بنیاد و اساس قدرت قابل ملاحظه به دنبال چه چیزی هستند؟ به نظر می رسد که جواب برای حزب کمونیست جاپان کاملاً واضح است: در انتخابات همواره موفقیت بیشتر به دست آوردن. از مدتی بدین سو در ائتلاف با لیبرال ها و سوسیال دموکراتها، به هدف دولت راست محافظه کار را از کرسی به زیر کشیدن تلاش می ورزند.

حزب کمونیست (JCP) علیه وضعیت و شرایط فقر و فلاکت افراد با لقوه جامعه به خصوص جوانانی که زجر و سختی می کشند، روشنگری می کند. آنها به عنوان اعضای یگانه حزب قوی به خارج شدن از انرژی اتومی سینه

سپر می کنند. آنها همچنان بسته کردن پایگاه های ایالات متحده را در جنوبی ترین جزیره "اوکیناوا" مطالبه نموده
انتلاف نظامی تنگاتنگ با واشنگتن را مورد سؤال قرار می دهند و به همین ترتیب علیه گسترش تسلیحات جاپان
موقف می گیرند. لیکن آنچه را که حزب کمونیست از آن صرف نظر می کند، پاسخگوئی در قبال چگونگی تصرف
قدرت است. با وجودی که سوسیالیسم به عنوان هدف، هنوز هم دائماً در برنامه این حزب قرار دارد مگر مطالبات
مانند اجتماعی ساختن بانکهای مهم و وسایل تولید را به طور علنی ابراز نکرده اند.

همچنان این حزب علیه گردهمایی سران کشور های "G-8-Gipfel" که در "تویاکو" Toyako در سال ۲۰۰۸
علی رغم ابراز مخالفت اعضای خود را به جاده ها و تظاهرات صدا ننمود. این حزب در آنزمان مطالبات خود را با
فرمول بندی مؤدبانه حین تجمع رهبران کشورهای G-8 ابراز داشت. همین طور در کنفرانس سران کشور های
G-7 که در سال ۲۰۱۶ در جاپان برگزار شده بود، کدام انتقاد اساسی و اصولی علیه آن اظهار نکرد. در چنین
مواقعی این فقط چپی های افراطی که از نگاه کمیت کوچک هستند، می باشند که علیه گردهمایی سران کشور ها
تظاهرات می نمایند.

با آن که تعداد واقعی عناصر افراطی چپ اندک است، مگر در چنان مواقعی قادر اند به هزاران فعال سیاسی دیگر
را نیز به دنبال خود بکشانند. در حالی که سازمانهای چپ کمونیستی حزب کمونیست جاپان هنوز هم دائماً تحت
پیامد های بعدی مبارزات خونین جناح های مختلف به خصوص در سالهای هفتاد و هشتاد که بیش از صد تن تلفات
جانی داشت، هستند. هرچند امروز دیگر تلفات جانی وجود ندارد، مگر دید خصمانه و خونین دهه های گذشته
همواره پا برجا مانده است. تا اواخر سال هفتاد گروپهای مختلف می توانستند بعضی اوقات به ده ها هزار انسان را
به همراه خود به جاده ها بکشانند، مگر امروز به دلیل خشونت های داخلی چپی ها همچنین دگماتیسم و فرقه گرایی
و هم البته بیگانه شدن تعداد زیادی از فعالان از سیاست قادر نیستند تا تعداد زیاد مردم را به تظاهرات بکشانند.

قوی ترین سازمان باقی مانده، سازمان انقلابی کمونیستی لیگ کمیته بین المللی است (JRCL-NC). این سازمان
مانند مجموع چپ افراطی از چند سال بدینسو دوباره رشد و گسترش مشخص را تجربه می کند. این فضای رشد
برای اتحادیه محصلان "سینگاکورن" Zengakuren و اتحادیه کارگران خط آهن "دورو - شیبای" Doro- Chiba
که به آنها نزدیک تر می باشند، نیز صدق می کند، تا روابط دوستانه با (JRCL) حفظ و نگهداری کند. آنها می
خواهند تا جنبش کارگران و محصلان را متحد بسازند و این جنبش آزاد از سانسور احزاب محافظه کار دست
راستی و چپی کشور و مبارزه اصلاح طلبانه حزب کمونیست جاپان و اتحادیه های بالاسر آن کارش را پیش ببرد.
هدف آنها انقلاب و قدرت دراز مدت کارگران در جهان است. حزب (JRCL) کشور هائی را که سوسیالیست
بودند، به عنوان "ستالینست" معرفی نموده شعار مرکزی آنها " نابود باد کپیتالیسم! و نابود باد ستالینسم! کارگران
جهان متحد شوید!" هنوز هم صفحه اینترنتی گروپی را که در سال ۱۹۵۷ به وجود آمده بودند، تزئین کرده است.
دولت علیه عملکرد چپی های افراطی از سرکوب و خشونت کار گرفته، آنها پیوسته با دستگیری و توقیف و دیگر
شکنجه ها مواجه می باشند.

خارج از افراد حزب جناح مجلس "توچا" Toha کادر های سازمانهای مارکسیستی را که تعداد آنها هنوز کم است،
مگر با صدای بلند ضد استبداد مبارزه می کنند نیز در صحنه وجود دارند. چنانچه بیرق های سیاه و یا سرخ و سیاه
آنها همیشه و دایم در جاده های توکیو در احتزاز هستند.

افزوده مترجم:

وقتی چندی قبل همکار ما آقای "موسوی" ضمن صحبت با یکی از هم میهنان ما که افرادی از قماش "سپنتا" را شامل "جنبش چپ" معرفی نموده، می خواست بارخیزان آنها را به کشور و مردم، بر دوش "جنبش چپ واقعی" کشور انداخته، بر مبنای آن به خیانت "چپ" ها حکم نماید، با قاطعیت برخورد نموده به طرف فهماند که ولتر از صدور هر حکمی او و کسانی مانند او می باید درک و فهم شان را از حیث جنبش چپ در بستر زمان کامل بسازند، بعداً به خود حق بدهند تا در مورد قضاوت نمایند و طرف هم که مقابل استدلال و ارائه فکتهای تاریخی و سیاسی بیشمار از جانب آقای "موسوی" ناگزیر شد، حرفش را پس بگیرد؛ فکر می نمودم که سوء استفاده از مفاهیم و نامها، تنها مرضی است که به گفته آقای "موسوی"، چپ نما ها و "شبه چپ" در افغانستان با هزینه کردن از اعتبار و آبروی "چپ" می خواهند اهداف شان را تحقق ببخشند.

مطالعه افزوده همکار دیگر ما آقای "آمدور نویدی" بر مقاله "پیتراس"، این حقیقت را آشکار ساخت که چنین خلط مباحث و سوء استفاده هائی تنها به افغانستان محدود نمانده، بلکه در سایر کشور ها نیز می تواند وجود داشته باشد. وقتی روز گذشته، نوشته "لنین" رهبر کبیر انقلاب اکتوبر معنون به "در استرالیا" را مطالعه نمودم، متوجه شدم که این کلاهبرداری و سرقت نام نه تنها از لحاظ مکانی ابعاد گسترده ای داشته است، بلکه از لحاظ زمانی نیز سابقه داشته و می باید علیه آن شجاعانه و با استواری تمام مبارزه نمود.

به همین مناسبت، مقاله حاضر را ترجمه نمودم تا خوانندگان متوجه شوند که بین رویونیست های پارلمانتاریست، ایدای تروتسکی و "انقلابیون راستین" که از طرف نویسنده مقاله در همه جای از آنها به نام ابداعی و رویونیستی "چپ افراطی" ذکر به عمل آمده است، به چه میزان فاصله و در کدام زمینه ها اختلاف وجود دارد.

وقتی نویسنده خود اذعان دارد که هر جا سؤال مبارزه و دادن تلفات در بین است، آنجا به زعم وی پای "چپ افراطی" در میان است و هر آنجا پای اخذ امتیازات در میان است، پای به اصطلاح "حزب کمونیست جاپان" و "تروتسکیست" ها، به مثابه نخستین شاخص می توان نوشت:

آنی که به جای مبارزه به منظور تصرف قدرت به وسیله پرولتاریا، به امتیازگیری مصروف است، هیچ ربطی به کمونیزم نداشته، فردی است خادم سرمایه که می خواهد با دزدی نام و اعتبار کمونیزم و چپ، برای خودش چیزی به دست آورده، وظایفش را در قبال بادران امپریالیستی اش انجام بدهد.

چنین حکمی در مورد به اصطلاح "حزب کمونیست جاپان"، مصداق کامل دارد.